

از شال گردن هایی به جای ماسک تا اسکناس های آلوده

دام کرونا در میدان دام

حیدرزاده

چوب دستی را زیر بغل اش می گذارد و در حالی که لبخند کم رنگی روی لبش نشسته است، پول ها را می گیرد و شروع می کند به شمارش آن ها، گهگاهی هم انگشت اش را با آب دهانش خیس می کند و می شمرد؛ ۱۰۰۰ تومن، ۲۰۰ تومن، ۳۰۰ تومن، ... نه اصلا راه ندازه باید ۲۵۰ تومن دیگه بدی، پول علوفه یک سالش هم نمی شه.»پیرمرد ۱۵۰ تومن دیگر می شمرد و کف دست مرد جوان می گذارد و از او می خواهد با همین مبلغ، قال قضیه کنده شود و سعی می کند گوسفند را که در تقلائی قرار از میدان دام است نگه دارد. پول ها نظرم را جلب می کند؛ «چرک دست» که با شیوع کرونا ویروس از هر چیزی چرکین تر و آلوده تر است و باید استفاده از پول را برای پیشگیری از انتقال این بیماری به حداقل رساند اما...



عکس ها از ایندشکر

❗ **داد و ستد در فضای کرونایی**

داد و ستد در یکی از آلوده ترین نقاط نزدیک به بجنورد جاری است و گویا کرونا این بار تور خود را در میان فضولات میدان دام گسترده است؛ در فضایی که اطرافش تپه ماهورهای سبز رنگ به عطر بهاری آغشته شده اما بوی فضولات دامی بر آن غلبه کرده است.

ازدحام بالای مردانی که در میان دام از این طرف به آن طرف می روند و با یکدیگر مذاکره می کنند تور را وحشت زده می کند و تنها چیزی که به ذهنت می رسد این پرسش است، آن هایی که بدون ماسک و دستکش به این جا آمده اند دل شیر دارند یا خود را به بی خیالی زده اند که در این روزهای کرونایی این گونه چسبیده به هم ایستاده اند و در حال خرید و فروش دام هستند؟ چه تعداد از آن ها به جای این که لقمه ای نان برای خانواده شان ببرند، کرونا را با خود به خانه می برند؟

درون محوطه وسیعی که دور تا دورش دیوار کوتاهی کشیده شده است، گوسفندها در معرض دید قرار گرفته اند و بیرون از آن، در فضایی کوچک تر، تعداد زیادی گاو به چشم می خورند.

❗ **فراموشی یا بی خیالی؟**

تا چشم کار می کند، مردان پیر و جوانی هستند که در بین آن ها تعدادی پسر نوجوان هم دیده می شوند و در تکاپوی خرید و فروش هستند، اگرچه برخی از آن ها ماسک زده اند و دستکش دارند اما تعداد افرادی که مثل روزهای قبل از شیوع کرونا رفتار می کنند، بیشتر است. آیا آن ها تعداد روز افزون مبتلایان و قربانیان کرونا در استان را نشنیده یا فراموش کرده اند؟!

انگار کرونا را در این جا می توانی با چشم غیر مسلح هم ببینی؛ در لا به لای جمعیتی که خودروهای شان را بیرون از میدان پارک کرده، بی گذار به آب زده و آمده اند دام بخردن یا بفروشدن غافل از این که با رعایت نکردن پروتکل های بهداشتی به دام کرونا خواهند افتاد.

رفت و آمد در این مکان زیاد است، عده ای دست

خالی می آیند و دست پر برمی گردند و البته

برخی نیز ناامیدانه دام های شان را راهی نisan وانت می کنند تا روز دیگر بازگردند؛ خدا کریم است شاید مشتری پیدا شود. وقتی تابلوی «تجمع و بارگیری دام شهرداری بجنورد» را پشت سر گذاشتم هرگز فکر نمی کردم با چنین ازدحامی از جمعیت آن هم در این ایام مواجه شوم.

❗ **نا توانی در تهیه لوازم بهداشتی**

صدای بع بع گوسفندان در فضا پیچیده است و گاهی هم صدای گاوها با آن قاطعی می شود. پسر جوانی که به همراه برادر نوجوانش از روستای جمی آمده است تا ۳ رأس گوسفند را بفروشد در حالی که ناامیدی در چشمان آبی اش موج می زند، از این که امروز هم نتوانسته آن ها را بفروشد با نا اراحتی می گوید: هر روز راه روستای مان تا این جا را طی می کنم اما آن قدر قیمت را پایین می گویند که موفق به فروش آن ها نمی شوم و باز می گردم.

هنگامی که به جمعیت زیاد مردم در این میدان و رعایت نکردن افراد از جمله خودش برای پیشگیری از کرونا اشاره می کنم، ادامه می دهد: وقتی کار و درآمد نیست دیگر حوصله و البته توان خریدن ماسک و دستکش را هم نداریم. افرادی امثال من چطور می توانند بهداشت فردی شان را رعایت کنند وقتی مدام با دام ها سر و کار دارند؟ در ضمن به این فکر کنید که ما از کجا باید آن ها را بخریم؟

او گوسفندهایش را به پشت پیکان وانت هدایت و این مکان آلوده را ترک می کند.

بیشتر خودروهایی که خارج از محوطه میدان دام پارک شده اند پیکان وانت، نisan وانت و پیکان هستند البته برخی مراجعه کنندگان با موتورسیکلت خود را به این جا رسانده اند.

❗ **از پول نقد تا دستکس کار نتخوان**

با این که ساعت ۶:۳۰ صبح است اما جمعیت بسیار چشمگیر است و افراد از روستاها و حتی شهرهای اطراف بجنورد در این مکان جمع شده

اند تا پس از گپ و گفتی گاهی طولانی، دام های

شان را بفروشند یا دام مورد نظر شان را بخرند.

با این که برخی فروشندگان دام، دستگاه کارتخوان دارند اما بعضی ها ترجیح می دهند پول نقد رد و بدل کنند و بین شان نوشتن چک نیز دیده می شود.

یک دلال که به گفته یکی از مشتریان سال هاست کارش خرید و فروش دام و در آن خیره است، درباره وضعیت میدان دام با شیوع کرونا می گوید: با شیوع این بیماری این مکان تعطیل شد اما با بازگشایی آن اتفاقی نیفتاد و فقط تعداد کمی از مراجعه کنندگان از ماسک و دستکش استفاده می کنند.

او به دستگاه کارتخوان خود اشاره می کند و معتقد است: اگر مراجعه کنندگان به جای تبادل پول نقد از کارتخوان استفاده و موارد بهداشتی را رعایت کنند آلودگی کمتری منتشر می شود در حالی که این جا وضعیت بهداشتی در حد صفر است و بیشتر افراد نسبت به آن بی اهمیت هستند.

او که خود به ماسک و دستکش لاتکس مجهز است، با بیان این که به دلیل شرایط کاری نمی توان از مواد ضدعفونی دست استفاده کرد، می افزاید: سعی می کنم حواسم باشد به صورت و چشم هایم دست نزنم زیرا ممکن است در این مکان که کمتر کسی رعایت می کند ناقل باشم و پدر و مادر پیرم در معرض بیماری کرونا قرار بگیرند.

❗ **شال گردن به جای ماسک**

از مردی که ۵ رأس گوسفند فروخته است و از در ورودی خارج می شود، می پرسم آیا پول نقد دریافت کرده است که از داخل جیب شلوارش ۳ فقره چک مجاله شده و کثیف را خارج می کند و می گوید: باید به بانک بروم و آن ها را وصول کنم، بعد از یک هفته رفت و آمد سرانجام توانستم دام هایم را بفروشم تا در این اوضاع بیکاری به زخم زندگی ام بزنم.

او که شال بافتنی را دور گردنش پیچیده است، بر صحبت های من مبنی بر آلوده بودن این مکان

صحه می گذارد و درباره استفاده نکردن از ماسک لبخند می زند، شال گردنش را دور بینی و دهانش می پیچد و ادامه می دهد: هر وقت وارد میدان می شوم شال را این طوری دور دهان و بینی ام می پیچم تا کرونا نگیرم.

نه کنترل و نظارتی است و نه نظافت، البته به دلیل اقتصای این حرفه نمی توان انتظار داشت در محلی که دام وجود دارد مانند جاهای دیگر بهداشت رعایت شود اما در این روزها که کرونا از هر روزنه ای تلاش می کند به بدن وارد شود و سلامتی را تهدید کند می توان حداقل با تاکیدهای بیشتر در این گونه اماکن از شیوع این بیماری جلوگیری کرد.

❗ **پیدا کنید هندوانه فروش را!**

بین تعداد بالای خودروهایی که بیرون از میدان پارک شده اند یک کامیونت که هندوانه بار زده است دیده می شود و مردی که راهی شهر است به ره در دنبال اوست تا چند عدد هندوانه بخرد و خانواده اش را بعد از افطار به چند قاچ از آن دعوت کند. فروشنده هندوانه که می آید گل خنده بین شان باز می شود، خریدار با همان دستان آلوده،

هندوانه ها را زیر و رو می کند تا شیرین ترین و آبدارترین را پیدا کند. کمی آن طرف تر ۲ نisan وانت بار علوفه دارند و رانندگان آن ها در کنار خودروهای شان نشسته اند و منتظر مشتریانی هستند که با خودشان می گویند تا این جا که آمده ایم علوفه هم بخریم.

❗ **ماسک های زیر چانه**

در صبح بهاری، در این مکان که باد خنکی نیز می وزد زندگی جاری است اما کرونا در آن شنا می کند و معلوم نیست خودش را به کدام یک از افرادی که در میدان دام بدون رعایت مسائل بهداشتی جمع شده اند، می رساند؟

اگرچه برخی ماسک زده اند اما انگار آن را برای چانه خود زده اند و در فاصله ای بسیار نزدیک، گوش تا گوش هم ایستاده اند و سر قیمت چانه می زنند. خیلی ها ماسک را روی صورت شان جا به جا می کنند، بعضی ها دستکش یک بار مصرف معمولی و برخی لاتکس دارند اما گویا ماسک زدن را فراموش کرده اند. یکی از آن ها می گوید: از کجا بیاوریم هر روز ماسک بخریم آن هم به تعداد زیاد چون می گویند هر ۲ تا ۳ ساعت باید ماسک را عوض کرد؟

دیگری با اشاره به این که یک هفته است کارش



را شروع کرده زیرا با شیوع کرونا ۲ ماه داد و ستد دام تعطیل شده بود، در پاسخ به پرسش من که آیا وقتی به منزل رفتید استحمام می کنید؟ اظهار می کند: ما کارمان ایجاب نمی کند هر روز بعد از این که به خانه رقتیم دوش بگیریم. من فقط لباس هایم را عوض می کنم، خودم کرونا هستم و کرونا نمی گیرم! قهقهه ای می زند و می رود!!

بین این جمعیت فقط ۴،۳ نفر چکمه پوشیده اند و بقیه با همان کفش هایی که کف آن ها از فضولات حیوانی پر شده است راهی جاده ها و شهرها می شوند، گویا باری از کرونا دارند و بی خیال محل را ترک می کنند. محل را ترک می کنم با باری از استرس کرونایی.

هایهو در میدان دام همچنان پابر جاست، گوسفند بعد از تقلائی زیاد از چنگ پیرمرد گرخته است و او به دنبالش نفس زنان می دود، چند نفر دیگر هم به او ملحق می شوند تا گوسفند را محاصره کنند.

مرد جوان یک بار دیگر پول هایش را می شمرد

و آن ها را داخل جیب شلوار هفت جیب اش می گذارد و به گوسفند چالاکی که به پیرمرد فروخته و از دست او فرار کرده است، می خندد.



آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد دمه) بستانکار: خانم فاطمه اصغریان کوشکی فرزند حسین محل تولد: اسفراین تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۳/۰۲ شماره ملی ۰۶۳۸۶۲۹۸۱۰ شماره شناسنامه ۹۵۵ به نشانی: اسفراین خ امام رضا ۳ پلاک ۱۱۱ بدهکار: جمشید استادی ایرج نام پدر: برات محمد محل تولد اسفراین تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۰۳ شماره ملی۰۶۳۸۲۵۵۱۵۵ شماره شناسنامه ۷۵۳۱ به نشانی: (اسفراین خ انقلاب ۴ پلاک ۱۱ مورد مزایده و محل آن: سه دانگ مشاع از شش دانگ پلاک ثبتی به شماره ۵۶۲ فرعی از ۳۲ فرعی از ۶۰ اصلی واقع در بخش ۵ قطعه یک اسفراین ذیل صفحه ۳۲۸ دفتر ۱۰۵ ذیل ثبت ۱۵۶۷۵ به نام جمشید استادی ایرج ثبت و سند مالکیت صادر و بازداشت شده و شش دانگ محدود به حدود ذیل است: شمالاً: به طور منکسر به طول های ۱۵ متر و ۱۲.۳۰ متر پی دیواری است به پی دیوار منزل برات محمد استادی ایرج از باقی مانده پلاک ۲۶ فرعی شرقاً: به طول ۱۴/۸۰ متر درب و دیوارپست به پیاده روی خیابان طالقانی جنوباً: به طول ۱۵.۳۰ متر دیوارپست به دیوار پلاک ۲۵ فرعی از ۶۰ اصلی پشت جوی غرباً: به طول ۱۵ متر دیوارپست به حریم جوی فرطان حقوق ارفاقی ندارد و برابر نظریه کارشناس رسمی دادگستری آقای مجتبی دادخواه کل شش دانگ به مبلغ ۱۶/۳۵۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی قطعی گردیده و از طرفین پرونده اعتراضی واصل نشده است و ملک فوق شامل عرصه مسکونی و تجاری به مساحت ۳۲۵/۹۵ مترمربع که مساحت تقریبی اعیان جمعاً ۳۰۰ مترمربع واقع در طبقه همکف اول (مسکونی) و تجاری- همکف ۴۰۰ مترمربع تجاری- دو دهنه و ۱۱۰ مترمربع مسکونی در پشت تجارپها» و طبقه اول (۱۵۰ مترمربع مسکونی) - اسکلت آجری - سقف طاق ضربی- نما آجری- کف موزاییک- کابینت فلزی- درپها چوبی و پنجره ها آهنی- قدمت ساخت: قریب به ۲۰ سال) انشعابات شهری شامل: آب و فاضلاب، برق، گاز و تلفن (هر کدام یک انشعاب) به علاوه دیوار و محوطه سازی که شش دانگ پلاک مذکور ۱۱ (مسکونی) و تجاری- همکف ۴۰۰ مترمربع تجاری- دو دهنه و ۱۱۰ مترمربع مسکونی در پشت تجارپها» و طبقه اول (۱۵۰ مترمربع شش دانگ) تماماً طلب بستانکار در پرونده اجرایی کلاسه ۹۶۰۰۱۳۷ در روز چهارشنبه مورخه ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل شعبه اجرای ثبت اسناد اسفراین از طریق مزایده حضوری نقد به فروش می رسد، مزایده از مبلغ ۹/۲۵۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت سه دانگ مشاع شروع و به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد فروخته می شود و هزینه های سند انتقال اعم از عوارض شهرداری مالیات دارایی و دیگر ادارات دی ربط تا تاریخ مزایده مشخص نبوده و به عهده برنده مزایده و تنظیم سند انتقال منوط به ارائه مقاص حساب می باشد و اجرای ثبت تکلیفی در خصوص تخلیه ملک مشاع نداشته و ضمناً هزینه های قانونی و اجرایی مطابق مقررات وصول می گردد و چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی گردد جلسه مزایده روز بعد از آن در همان ساعت و مکان تشکیل می گردد.
تاریخ انتشار:۱۳۹۹/۰۲/۲۳

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۲۶۷ م الف

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون های شده اساسی افسارده که اساه عادی با رسمی آسان در هیات مسطر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورده رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی(کثیر الانشار و محلی)بشرح ذیل آگهی می کرده ا
پیشن فو بجنوره پلاک ۱۶۹ - اصلی اراضی صبرآباد
۱- شش دانگ یکباب خانه از پلاک ۱۲۸ فرعی از ۱۶۹ اصلی فوق به مساحت ۸۲/۲۱ متر مربع ابرجایی آقای فیروز سودهاند از محل مالکیت ثبتی اصله عطر منظر برابر رای شماره ۰۰۳۳-۹۹ مورخه ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ - کلاسه ۰۱۲۱-۹۸-۱
لذا بدین وسیله به فروشندگان و مالکین متاعی و اشخاص ذیلعل در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق درمحل ۸ دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار ثبت اول: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ تاریخ انتشار ثبت دوم: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷
علیخان نازری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه بجنورین۹۹
م الف ۱۲۵

آگهی مزایده نوبت اول
در مورد پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۵۱۲ پی ۱ اجرای احکام مدنی بجنورد فی مابین محکوم له بانک ملت و محکوم علیه علی اکبر غلامحسین زاده و ... با موضوع مطالبه اجرت المثل که با عنایت به انجام کارشناسی سهم مشاع محکوم علیه از ملک به مشخصات ذیل الذکر :
مشخصات ملک : ملک مسکونی به آدرس بجنورد خ مدرسی چهارراه شهید فهمیده - پلاک ۹۲۱ و پلاک ثبتی ۱۲۸۵ فرعی از ۱۶۲ اصلی که ملک مذکور دارای ایوان درب و پنجره های فلزی نمای ساختمان سنگ مرمر و سقف طاق ضربی می باشد حیاط موزاییک فرش می باشد نوع کاربری در حال حاضر مسکونی می باشد و قابلیت تجاری پس از پرداخت حق و حقوق شهرداری و در نظر گرفتن کلیه عوامل تأثیر گذار می باشد مساحت ملک ۲۲۲ متر مربع که مساحت اعیان ۱۵۰ متر مربع و دارای امتیازات آب و برق و گاز می باشد از شش دانگ ملک فوق ۱۲۶ سهم و ۲۱ صدم سهم مشاع از ۲۷۰ سهم عرصه و اعیان متعلق به محکوم له بانک ملت می باشد که مزایده فوق بابت سهم محکوم علیه از بقیه ملک به میزان پدهیشان به مبلغ ۱۲۰/۰۳۱/۰۰۰ ریال می باشد که ارزش کل شش دانگ ملک توسط کارشناسی رسمی دادگستری به مبلغ ۲۱/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است و اینکه پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردیده مزایده مذکور در روز دوشنبه مورخ ۹۹/۱۲/۱۲ ساعت ۱۲ الی ۱۲:۳۰ و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش پرسد بنابراین این متقاضیان شرکت در جلسه مزایده می توانند پنج روز قبل از موعد مقرر در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید کنند - بدییی است مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ پیشنهادی فی المجلس از برنده مزایده اخذ و مابقی مبلغ مزایده نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر مبلغ تودییی پس از کسر هزینه مزایده به نفع ذیل ضبط و مزایده تجدید می گردد -
م الف ۲۷۸
دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد - جلد ۹۹۰

۹۹۰۰۸۸۵۲ م الف